

استفاده از نسبت‌های مالی در تصمیم‌گیری

محمود شهبازی
کارشناس ارشد حسابداری

وجود آن که تجزیه و تحلیل مالی بسیار گسترده‌تر از محاسبه نسبت‌های مالی است، لیکن تجزیه و تحلیل نسبت‌ها به عنوان روش اصلی تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی شناخته شده است، به نحوی که عده‌ای به غلط تصور می‌کنند تجزیه و تحلیل مالی محدود به تجزیه و تحلیل نسبت‌ها است.



اصطلاح نسبت، اشاره به ارتباط کمی و عددی بین دو متغیر دارد که با تقسیم یک متغیر به متغیر دیگر محاسبه می‌شود. نسبت و رابطه‌ی دو رقم ممکن است به صورت درصد، به شکل کسر و یا براساس واحد پول و یا مقایسه دو عدد بیان شود. تجزیه و تحلیل نسبت‌ها ارقام را به شکل قابل مقایسه‌ای ارائه می‌دهد و مشکل

در این مقاله سعی

می‌گردد برخی از کاربردهای نسبت‌های مالی ارائه گردد. به‌طور خلاصه، استفاده از نسبت‌های مالی از بدو پیدایش نسبت‌های مالی تاکنون را می‌توان به چند قسمت تقسیم نمود.

گروه‌های مختلف استفاده‌کننده از صورت‌های مالی، به‌رغم تنوع تصمیمات مالی، در تصمیم‌گیری‌های خود، هنگام تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی نخست متوجه تجزیه و تحلیل نسبت‌ها می‌گردند با

نتیجه‌گیری براساس مقادیر مطلق را حل می‌کند تا تحلیل‌گران قادر باشند نتایجی را از آنها به‌دست آورند. فایده گرفتن نسبت آن است که رابطه‌ی بین اقلام صورت‌های مالی دقت ریاضی پیدا می‌کند.

از استفاده از نسبت‌های مالی برای
سنجش معیارهای سود
استفاده کنندگان.

سرمایه‌گذاران، مدیران و اعتباردهندگان هر یک معیارهایی را برای سنجش عملکرد واحد تجاری مورد توجه قرار می‌دهند. تحلیل‌های عملیاتی هم چون حاشیه سود ناخالص، حاشیه سود خالص و نسبت‌های گردش دارایی‌ها و نسبت‌های سودآوری مثل بازدهی دارایی‌ها (سود خالص به جمع دارایی‌ها) معیارهای عملکرد واحد تجاری از نظر مدیران است، حال آن‌که از نظر سرمایه‌گذاران نسبت‌های سودآوری مثل بازدهی ارزش ویژه و سود هر سهم و شاخص‌های بازار مثل نسبت قیمت به سود یا نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری و یا سود تقسیم شده هر سهم معیار عملکرد واحد تجاری می‌باشد و معیار عملکرد واحد تجاری از نظر اعتباردهندگان نسبت‌های نقدینگی، اهرم مالی و نسبت‌های پوشش بهره است.

استفاده از نسبت‌های مالی برای سنجش
عملکرد واحد تجاری

بررسی فعالیت شرکت و مشکلات مالی، موضوعی است که به ویژه با تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی مرتبط است. نسبت‌های مالی برای پیش‌بینی مشکلات مالی شرکت‌ها مفید به نظر می‌رسند، اگر چه توانایی آنها در این مورد از اعتبار زیادی برخوردار نمی‌باشد.

مطالعات متعددی در زمینه‌ی رابطه‌ی نسبت‌های مالی با انواع و درجات متعدد مشکلات مالی صورت گرفته است که آنها را می‌توان به سه دسته طبقه‌بندی نمود.

الف) مطالعاتی که راجع به شرکت‌های ورشکسته صورت گرفته است.

ب) مطالعاتی که راجع به شرکت‌هایی که با مشکلات مالی مواجه هستند ولی کاملاً ورشکسته نشده‌اند.

ج) مطالعاتی در رابطه با برخی وضعیت‌های مالی که می‌تواند به‌عنوان

شاخصی برای ایجاد مشکلات مالی باشد، مثل فقدان سود.

اولین تحقیق در این زمینه توسط ویناکد و اسمیت انجام گرفت. این تحقیق نشان داد که نسبت خالص سرمایه در گردش به کل دارایی‌ها، دقیق‌ترین و با ثبات‌ترین شاخص در پیش‌بینی ورشکستگی می‌باشد. در سال ۱۹۴۳ تحقیقی توسط هیکمن انجام شد. این تحقیق نشان داد که نسبت پوشش بهره و سود خالص به فروش، شاخص‌های مفیدی برای پیش‌بینی مشکلات مالی می‌باشد.

معروف‌ترین مدل پیش‌بینی ورشکستگی مدل Z آلتمن می‌باشد که بعدها اصلاح شد. لازم به ذکر است که علاوه بر آلتمن اشخاص دیگری نیز از نسبت‌های مالی جهت پیش‌بینی ورشکستگی شرکت‌ها استفاده نمودند که می‌توان به مطالعات اوهلسان اشاره نمود. نبود یک تئوری اقتصادی مشخص در مورد بحران مالی از جمله نقاط ضعف پیش‌بینی‌های مربوط به ورشکستگی می‌باشد.

روابط بین مانده حساب‌های یک شرکت در طول زمان معمولاً ثابت می‌مانند مضافاً اینکه در یک صنعت خاص، مشابه هستند و عموماً کوچکی و بزرگی موسساتی که در یک صنعت فعالیت می‌نمایند، از لحاظ مقایسه نسبت‌ها چندان موثر نیست. با توجه به این موارد وجود روابط غیرعادی بین حساب‌ها براین احتمال دلالت می‌کند که این حساب‌ها نادرست ارائه شده است.

رابطه‌ی بین مانده حساب‌ها در برخی از حساب‌ها روشن است، مثل رابطه‌ی هزینه‌ی بهره و وام‌های دریافتی ولی در مورد برخی از حساب‌ها رابطه‌ی خاصی وجود ندارد. مثل رابطه‌ی سود سهام پرداختی و دارایی ثابت و طبقاً کاربرد نسبت‌ها نمی‌تواند معنی‌دار باشد، لذا حساب‌برسان در تحلیل‌های مالی معمولاً از نسبت‌هایی استفاده می‌کنند که معنی و

مفهوم واضح و روشنی داشته باشد و رابطه‌ی دو حساب منطقیاً قابل توجیه باشد.

۴. استفاده از نسبت‌های مالی برای سنجش
عملکرد واحد تجاری

یکی از جسدیدی‌ترین کاربردهای نسبت‌های مالی، استفاده از آن در بررسی وضعیت مالی افراد و خانوارها است. در ابتدا تاریخچه‌ی مختصری از این تحقیقات و سپس نتیجه‌ی یکی از تحقیقات انجام شده ذکر می‌گردد.

ماسون و گریفیت (۱۹۸۸) بیست نسبت را ارائه کردند و آنها را در یک مطالعه موردی به کار بردند. آنها نشان دادند که به دلیل استاندارد نبودن صورت‌های مالی شخصی هنگام تجزیه و تحلیل با مشکل مواجه شده‌اند.

در مطالعه موردی دیگری لیتون و سایرین (۱۹۹۰) قصد داشتند تا نه نسبت مالی را در این مورد توصیف کنند. آنها به این نتیجه رسیدند که نسبت‌های مالی به همان خوبی که توسط متخصصان مالی استفاده می‌شود، جهت اشخاص و خانواده‌ها قابل استفاده است و قابلیت تجزیه و تحلیل دارند.

شماری از مطالعات تحقیقی، نسبت‌ها را برای ارزیابی وضعیت مالی یا سلامت مالی اشخاص و خانوارها در یک یا چند مورد خاص به کار گرفته‌اند. این موارد شامل کفایت وجوه ضروری، نرخ‌های مجموع پس‌انداز مثبت یا منفی، تغییرات در خالص ثروت طی یک مدت، هزینه‌های مسکن و امکانات، مالکیت دارایی‌های خانواده و تخصیص آن، ریسک نقدینگی و سطح بدهی بوده است.

متونی که در این خصوص وجود دارد همگی بیانگر این مطلب است که برای متخصصان و خانوارها جهت اخذ تصمیمات مالی جاری، مجموعه‌ی کاملی از نسبت‌ها و معیارها مفید خواهد بود. این معیارها باید استاندارد شوند، قابلیت قبول عامه پیداکنند و به راحتی اجرا شوند.

پیشنهاد	نسبت	مورد
$\leq 25\%$	<u>دارایی‌های سریع</u> <u>هزینه‌های ماهانه</u>	تقدینگی
($\leq 2/5$ برابر هزینه‌های ماهانه)		
$\leq 10\%$	<u>پس‌انداز</u> <u>درآمد ناخالص</u>	پس‌انداز
$\leq 15\%$	<u>دارایی‌های سریع</u> <u>خالص ثروت</u>	تخصیص دارایی
$\leq 50\%$	<u>خالص دارایی‌های سرمایه‌گذاری</u> <u>خالص ثروت</u>	
$\leq 10\%$	<u>سرمایه‌گذاری خارجی</u> <u>جمع سرمایه‌گذاری‌ها</u>	
$\leq 2\%$	<u>درصد تغییرات در خالص ثروت</u> <u>نرخ تورم</u>	مصونیت تورم
$\leq 2\%$	<u>درصد تغییرات در دارایی‌های سرمایه‌گذاری</u> <u>نرخ تورم</u>	
$\geq 20\%$ (برای درآمد ۳۱۰۰۰ دلار)	<u>مالیات حقوق و دستمزد</u> <u>درآمد ناخالص</u>	فشار مالیاتی
$\geq 20\%$ (برای درآمد ۱۰۰۰۰۰ دلار)		
$\geq 25\%$ (برای درآمد ۳۱۰۰۰ دلار)	<u>مالیات حقوق و دستمزد + مالیات اموال</u> <u>درآمد خالص</u>	
$\geq 25\%$ (برای درآمد ۱۰۰۰۰۰ دلار)		
$\geq 20\%$	<u>هزینه‌های مستاجر</u> <u>درآمد ناخالص</u>	هزینه‌های مسکن
$\geq 25\%$	<u>هزینه‌های موجر</u> <u>درآمد ناخالص</u>	
$\geq 15\%$ معقول	<u>پرداخت‌های بدهی‌های غیررهنی</u> <u>حقوق پس از کسر مالیات</u>	بدهی/اورشکستگی
$\leq 20\%$ نقطه‌ی خطر		
$\geq 25\%$ معقول	<u>جمع پرداخت‌های بدهی</u> <u>حقوق پس از کسر مالیات</u>	
$\leq 45\%$ نقطه‌ی خطر		

بیمه، سهم مالک از هزینه‌های تعمیر و نگهداری و ملزومات.

۱- اکبری، فضل...، تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی تهران، انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۲۹، مهر ۱۳۷۸.

۲- اکرمی، غلامرضا، بررسی نحوه استفاده از تکنیک‌های تجزیه و تحلیل صورت‌های مالی و نقش آنها در تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران تهران، دانشگاه تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۷۴.

۳- اکبری، فضل... و علی مدد، مصطفی، بررسی تحلیل یا استفاده از تجزیه و تحلیل در حسابرسی، تهران، انتشارات سازمان حسابرسی، نشریه شماره ۱۴۳، ۱۳۷۹.

۴- ریاحی بلکویی، احمد، تئوری‌های حسابداری، ترجمه دکتر علی پارسائیان، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۱.

1- Altman, E.I. (1968), Financial ratios, discrimination analysis, and the prediction of corporate bankruptcy. The journal of finance, 23(4) 589-609.

2- George Foster, "Financial statement analysis" (Printice Hall 1978). P.V.II.

3- Greninger. Sue A, Vickiel, Hampton, Karrol A. Kitt, Joseph A. Achocoso (1996), "Ratios and Benchmarks for Measuring the Financial Well-Being of Families and Individuals", Financial service review 5(1) 1996.

4- O' connor, M.(1973), "The usefulness of financial ratios to investeds" Acc. Review, April 1973, 4802, 339-352.

در تحقیقی که توسط کرینگر و سایرین جهت استفاده از نسبت‌ها به عنوان معیاری برای سلامت مالی اشخاص و خانواده‌ها انجام شده است ۲۲ نسبت به محققین و برنامه‌ریزان مالی داده شده و نظر آنان را در خصوص این نسبت‌ها جویا شدند. (تحقیق مورد نظر به روش دلفی انجام شده است.) مقایسه میانگین آماری پاسخ‌دهندگان نشان می‌دهد که در ۲۰ مورد از ۲۲ مورد تفاوت معنی‌داری بین جواب‌های به دست آمده از دو گروه پاسخ‌دهندگان وجود ندارد و فقط در دو نسبت تفاوت معنی‌داری وجود داشته است.

براساس این تحقیق جدولی تهیه شده است که نشان‌دهنده سلامت مالی خانوار یا شخص نمونه است جدول مذکور در ادامه ذکر خواهد شد.

اصطلاحاتی که در نسبت‌های مذکور استفاده شده است به شرح زیرند.

دارایی‌های سریع: وجه نقد و معادل وجه نقد، حساب‌های بانکی، حساب‌های پس‌انداز، وجوه مشترک بازار پولی، حساب‌های بازار پولی.

دارایی‌های سرمایه‌گذاری: سایر دارایی‌هایی که برای مقاصد سرمایه‌گذاری استفاده می‌شود و این دارایی‌ها شامل دارایی‌های مورد استفاده در منزل نمی‌شود.

هزینه‌های ماهیانه: هزینه‌های ثابت و متغیر زندگی شامل بازپرداخت بدهی، مالیات‌ها و تخصیص‌های ماهیانه مداوم که غیر منظم می‌باشد مثل هزینه‌های تعطیلات، هدایا، بیمه‌های خویش فرما و

بدهی جاری: تمام بدهی‌ها و تعهدات، مخارج، صورت حساب‌ها و پرداخت‌های طی یک سال.

مالیات حقوق و دستمزد: مالیات بردرآمد محلی، ایالتی و مرکزی، بیمه تامین اجتماعی.

مالیات بر اموال: مالیات‌های املاک و اموال شخصی.

هزینه‌های مستاجر: اجاره، بیمه‌ی مستاجر و ملزومات.

۲۴ هزینه‌های موجر: اصل بهره، مالیات‌ها،

تسلیم

آقای حیدر مستخدمین حسینی

مصیبت وارده را به شما و خانواده‌تان تسلیم گفته و برایتان صبر و بردباری آرزو مندیم.

انجمن حسابداران خبره ایران